

بررسی اصول و معیارهای مدیریت مطلوب شهری از دیدگاه سه مکتب لیبرالیسم، سوسیالیسم، و اسلام

سیدعباس احمدی - استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران
محمودوائق - استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران
هادی ویسی - دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه پیام نور، ایران
سعید خاتم* - دانش آموخته دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۹

چکیده

مدیریت مطلوب شهری مورد توجه بسیاری از کشورهای جهان بوده است؛ این مفهوم ریشه در مکاتب لیبرال و پسامارکسیستی دارد و در پی آن است که از طریق ایجاد فضایی دموکراتیک در یک شهر به افزایش مشارکت همگانی در شهر منجر شود و اگر به شاخص‌های حکمرانی خوب به مدیریت شهری توجه شود، در نهایت باعث خواهد شد تا شهروندان و مسئولان شهری در فضایی آزادانه و به دور از هرگونه ابهام و سوء مدیریت به اداره شهرها بپردازند که نتیجه آن ایجاد شهرهایی با مسئولان پاسخگو و شهروندانی قانون‌مدار خواهد بود. حکمرانی خوب از دو ایدئولوژی سیاسی عمده نشئت گرفته است: دیدگاه نئولیبرالیسم که حداقل دخالت دولت و حداقل دخالت سازمان بازار را تجویز می‌کند و دیدگاه سوسیال‌دموکراسی که در پی شناخت و بهره‌گیری از کارایی بازار در شرایطی است که بر استانداردهای عدالت اجتماعی و بهبود اقتصادی درازمدت استوار است و به ایجاد زیرساخت‌های سیاسی و نهادی و توانمندی‌های اجتماعی توجه دارد. در نقطه دیگر دیدگاه اسلام هست که با نگاهی جامع‌تر به اصول حکمرانی خوب توجه می‌کند. هدف از این پژوهش بررسی معیارهای مدیریت مطلوب شهری از دیدگاه مکاتب سیاسی است. روش پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی است و جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است. در این تحقیق، با توجه به مقایسه نتایج دیدگاه سه مکتب مدیریت مطلوب شهری، می‌توان بیان کرد که کلیه شاخص‌هایی را که در مکاتب لیبرالیسم و سوسیالیسم برای مدیریت شهری مطلوب ارائه شده اسلام در زمان‌های دور بدان‌ها اشاره کرده است و حتی بسیار جزئی‌تر و کامل‌تر به شاخص‌های مطلوب در همه ابعاد توجه داشته است که حتی در قالب عدالت اجتماعی سعی داشته با توجه به جایگاه اجتماعی و درآمد افراد به توزیع امکانات و تسهیلات شهری بین شهروندان توجه داشته باشد. بنابراین، مدیریت شهری مطلوب از دیدگاه اسلام نسبت به دو دیدگاه قبلی از جامعیت بیشتری برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: حکمروایی شهری، مدیریت مطلوب شهری، مکتب اسلام، مکتب سوسیال، مکتب لیبرال.

مقدمه

در کنار ارزش‌های کلاسیک، نظیر کارایی، اثربخشی، بهره‌وری، پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری، ارزش‌های مدیریت دولتی نوین- مانند مشارکت کارکنان و شهروندان در مدیریت سازمان، گسترش دامنه انتخاب شهروندی، عدالت اجتماعی، پاسخ‌گویی بوروکراتیک و توجه به اصول اخلاقی، عدم تمرکز و بوروکراسی‌زدایی و مسئولیت اداری نسبت به اثربخشی برنامه و توجه به زمینه‌های سرمایه اجتماعی و اعتماد- نیز باید مورد توجه اساسی قرار گیرد (منوریان، ۱۳۷۹: ۹-۱۰). دگرگونی یادشده تغییر بی‌همه‌جانبه در نقش مدیریت جامعه و رابطه بین دولت و شهروندان ایجاد کرده است که به صورت تغییر از دولتی بوروکرات و غیرکارآمد به دولتی کارآفرین و مشارکت‌جو است. حکمرانی خوب در قالب مدیریت دولتی نوین به نقش مشترک و تعریف‌شده سه بخش دولتی، خصوصی، و جامعه مدنی اشاره دارد. بر این اساس، در خدمات عمومی نوین، به جای اینکه دولت به‌عنوان تسهیل‌کننده و محرک نیروهای بازار عمل کند (هدایت‌کردن)، به توانمندسازی شهروندان و ایجاد ارزش‌های مشترک میان آن‌ها می‌پردازد (خدمت‌کردن) و بر ایجاد ائتلافی از سازمان‌های دولتی، سازمان‌های خصوصی، و نهادهای مدنی تأکید می‌ورزد (وارث، ۱۳۸۰: ۷۶). به این ترتیب، دیدگاه نوظهور منطقه‌گرایی، که در دهه ۱۹۹۰ میلادی ظاهر شد، حکمرانی را پیشنهاد می‌دهد که، به جای ساختارهای نهادی پُر حجم، بر فرایندهای همکاری و مشارکت، نقش نهادهای غیردولتی از جمله ساختارهای شبکه‌ای غیررسمی که برخاسته از جامعه مدنی‌اند و هم‌اندیشی و چاره‌جویی در مسائل با مشارکت تمامی کنشگران تأکید می‌کند (هرشل، ۲۰۰۲: ۳۲).

در سالیان اخیر، حکمرانی به موضوعی مهم در مدیریت بخش دولتی و عمومی تبدیل شده است و این مسئله به واسطه نقش مهمی است که حکمرانی در تعیین سلامت اجتماع ایفا می‌کند. الگوی حکمرانی با ویژگی‌های پاسخ‌گویی، شفافیت، و حق اظهارنظر سبب شکل‌گیری دولتی کارآمد و شفاف خواهد شد. حکمرانی خوب از دو ایدئولوژی سیاسی عمده نشئت گرفته است: دیدگاه نئولیبرالیسم که حداقل دخالت دولت و حداکثر دخالت سازمان بازار را تجویز می‌کند و دیدگاه سوسیال‌دموکراسی که در پی شناخت و بهره‌گیری از کارایی بازار در شرایطی است که بر استانداردهای عدالت اجتماعی و بهبود اقتصادی درازمدت استوار است و به ایجاد زیرساخت‌های سیاسی و نهادی و توانمندی‌های اجتماعی توجه دارد. این دو ایدئولوژی متفاوت در رابطه با مدیریت عمومی (به‌ویژه در سطح محلی) از اصطلاح حکمرانی با مفهوم و معنای متفاوت استفاده می‌کنند. معنای اول متضمن درهم‌آمیختگی بخش خصوصی و عمومی در یک شراکت کم‌رنگ و سست است. در این دیدگاه نئولیبرالیستی، حاکمیت منطقه کلان‌شهری در پی جابه‌جایی تقابل بین منافع بخش خصوصی و عمومی با رقابت بین آن‌ها برای حل مسائل محلی با رویکردی تکنوکراتیک است. در این رویکرد هر آنچه برای بنگاه‌های اقتصادی محلی خوب است برای کل منطقه شهری هم خوب است. دومین مفهوم ناظر بر اصطلاح حکمرانی نگاهی است که آن را مجموعه‌ای پیچیده از تعامل نهادی و سازمانی در قبال مسائل گسترده فراروی سازگاری اجتماعی- اقتصادی در روند پیدایش سیستم جهانی- محلی می‌بیند. در این دیدگاه نهادگرایانه‌تر، موضوع حیاتی ایجاد هماهنگی فراسوی مقیاس‌های جغرافیایی است (اسکات، ۲۰۰۱: ۲۲-۲۹). تفکر حاکم بر غرب در حال حاضر تفکری الحادی- لیبرالی یعنی منهای دین است. در چنین نگرشی، جامعه، سیاست، انسان، و همه ارزش‌هایی که برای وی مطرح می‌شود از خود انسان نشئت گرفته است و آفریننده ارزش‌ها خود انسان است (اومانیسیم). بنابراین، در این نگرش، جایی برای خدا و آخرت منظور نشده است (مصباح، ۱۳۸۲: ۸۷). با توجه به این نقدهای اساسی که بر مبانی نظری حکمرانی خوب به‌عنوان الگوی حاکم بر دنیای غرب وارد شده، مقام معظم رهبری می‌فرماید: الگوی غرب برای توسعه الگوی ناموفق است، زیرا با وجود دستیابی کشورهای غربی به ثروت و قدرت، ارزش‌های انسانی و معنویت در این جوامع از بین رفته‌اند (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۷: ۷۶). حکمرانی خوب و حکمرانی شایسته (حکومت علوی) همیشه ارزش‌های معنوی را

بر مصالح مادی مقدم می‌دارد. بر این اساس، هر سیاستی که به آبادانی و بهبود معیشت دنیوی بینجامد ولی به ارزش‌های معنوی صدمه وارد کند، از نگاه آن حضرت مردود است. البته، چنانچه این جدایی انجام گیرد و مسائل معنوی قربانی مادیات شود، باز هم مصالح دنیوی با شکست مواجه خواهد شد و حتی دنیاطلبان هم به رفاه مطلوب خود نخواهند رسید، زیرا حذف گرایش‌های معنوی خسارت‌های دنیوی فراوانی برجای می‌گذارد و زندگی اجتماعی را با بحران‌های جدید مواجه می‌کند (سروش محلاتی، ۱۳۸۰: ۴۸-۵۶).

بیان مسئله

افزایش شدید فقر و نابرابری و تورم در اواخر دهه ۱۹۸۰، که از پیامدهای الگوی حداقل دخالت دولت بود، باعث شد تا بانک جهانی به این نکته دست یابد که مسئله حکمرانی- یعنی شیوه مدیریت و اداره کشور یا رابطه شهروندان با حاکمان- موضوع کلیدی توسعه است (میدری، ۱۳۸۳: ۲۵۹). طی یک فرایند طولانی ولی رضایت‌بخش، اجماع گسترده‌ای از طرف نهادهای بین‌المللی و اقتصاددانان در مورد بازتعریف وظایف حاکمیتی دولت شکل گرفت. مجموعه این تلاش‌ها به این نتیجه منجر شده که برای آنکه یک دولت مشخص بتواند وظایف اصلی خود را در زمینه اصلاح نواقص بازار و حذف موارد شکست آن، افزایش رقابت‌پذیری، اصلاحات نهادی، دستیابی به بازارهای آزاد، و بهبود سرمایه اجتماعی به‌درستی انجام دهد، باید از چندین ویژگی برخوردار باشد که در قالب حکمرانی خوب تعریف می‌شود. حکمرانی خوب با رویکردی هنجاری و ارزش‌مدارانه به شیوه صحیح مفهوم جدیدی از دولت را در نظر می‌گیرد که به فرایند نوین اداره امور جامعه اشاره دارد. تغییراتی در نقش دولت ایجاد می‌نماید و روش جدیدی برای اداره جامعه ارائه می‌کند و سرانجام اینکه حکمرانی مطلوب الگویی است در جهت اصلاح بخش عمومی، تقویت جامعه مدنی، و تسریع مشارکت بخش خصوصی (قلی‌پور، ۱۳۸۳: ۸۶). شهر قبل از اینکه کالبدی فیزیکی و بی‌جان باشد محل زیست انسان و تجلیگاه اصول و ارزش‌های فرهنگی و مورد باور انسان است، تاریخ و جهان‌بینی سازنده خویش را معرفی می‌کند و نمایشی از نحوه نگرش انسانی به طبیعت و محل تحول عامل‌های فرهنگی و اجتماعی است (توسلی و بلخاری قهی، ۱۳۹۲: ۲۴۰). در حقیقت، هر شهر محوری از تجمع ارزش‌هایی است که تمدنی را می‌سازند و در نتیجه تصور جهان را بر اساس یک جهان‌بینی به‌وجود می‌آورند (پاپلی یزدی و رجیبی سناجردی، ۱۳۸۹: ۱۴۳).

در همین چارچوب، دین و از جمله دین اسلام یکی از عناصر فرهنگی و به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی- فرهنگی منشأ ایجاد تغییر، تفاوت، و تباین در مکان‌های گوناگون و به‌ویژه در شهرها از گذشته تاکنون بوده است (میرمیران و الیاسی، ۱۳۹۲: ۴۳). در همین راستا، اسلام به‌عنوان دینی که هم برخوردار از جهان و آموزه‌های معرفت‌بخش در مورد انسان و ارتباطات وجودی اوست هم مشتمل بر ارائه نظام ارزشی و هنجاری درباره زندگی مطلوب آدمی در حیات فردی و اجتماعی است، ظرفیت آن را دارد که در زمینه مفاهیم کلیدی همچون قدرت، دولت، اقتدار، و حکمروایی و نیز مباحث هنجاری و ارزشی مربوط به سیاست و سیاست‌گذاری حضوری پُررنگ و سرنوشت‌ساز داشته باشد (واعظی، ۱۳۸۷: ۳۲). با وجود این، در سده‌های اخیر روند مدیریت شهری ایران به تقلید از انگاره‌های غربی و پدیده‌های جهانی شدن دچار نوعی انقطاع تاریخی و ناسازگار نسبت به نوع فرهنگ و جهان‌بینی اسلامی کشور در زمینه پذیرش پدیده‌های مدیریتی همچون حکمرانی خوب شهری به‌عنوان پدیده‌ای غربی و گیج‌کننده شده است. توضیح آنکه شهرسازی و به تبع آن مدیریت شهری بعد از اسلام از یک سیر منطقی پیروی می‌کرده است که در نهایت به سبک اصفهان منتج شد که در این سبک از شهرسازی همبستگی بین شهرسازی و مدیریت شهری منبعث از مذهب تشیع هویدا بود. دین اسلام نه تنها دارای قابلیت ارائه مؤلفه‌های حکمرانی شایسته است؛ به‌گونه‌ای که بتوان از حکمرانی شایسته اسلامی در شهرهای کشور

به‌عنوان قابلیت آموزه‌های اسلامی سخن راند، بلکه به‌نظر می‌رسد حکمرانی شایسته اسلامی از جامعیت بالاتری نسبت به نوع غربی برای استقرار در شهرهای کشور برخوردار باشد (فیروزی و سجادیان، ۱۳۹۷: ۸۹). بر همین اساس، این پژوهش به دنبال معرفی و مقایسه سه الگوی اسلام، لیبرالیسم، و سوسیالیسم در مدیریت شهری است.

ضرورت تحقیق

بر ساختار نظریه‌های حکمرانی کنونی متأثر از پارادایم اثبات‌گرایی و کارکردگرایی با نگاه فایده‌محور به پدیده‌های اجتماعی و تکیه بیش از حد بر رویکرد اقتصادی بازارمحور سرمایه‌داری انتقادات جدی وارد است. حکمروایی خوب الگویی تجویزی و راه‌حلی برون‌متنی است که با توجه به مقتضیات فرهنگی غرب شکل گرفته و از این رو موفقیت آن در فرهنگ‌های دیگر مورد تردید است، زیرا جوامع در به‌کارگیری نظریه‌هایی که در متن‌های فرهنگی خودشان ایجاد شده است نیز با مشکل مواجه‌اند چه رسد به اینکه بخواهند این نظریه‌ها را در سایر فرهنگ‌ها اجرا کنند. در اغلب کشورهای در حال توسعه، تصور بر این است که حکمرانی خوب همان الگوی سرمایه‌داری در لباسی جدید بوده و هدف آن تحمیل تفکر سرمایه‌داری بر کشورهای در حال توسعه است. بنابراین، در استفاده از حکمرانی خوب برای تحقق آرمان‌های توسعه پایدار و تعهد به اجرای آن در کشورهای مختلف نیز باید به دیدۀ تردید نگریست. این در حالی است که در جهان‌بینی اسلامی، جامعه بر خلاف جوامع غرب که متکی بر اصل انسان‌محوری است، بر اصل خدامحور و حاکمیت خداوند مبتنی است که به علت بهره‌گیری و اعتقاد به وحی دارای نگرشی فراسیستمی و چندبعدی بوده. به علاوه، حکمرانی شایسته اسلامی در کنار معرفت فلسفی، معرفت علمی، و معرفت پارادایمی دارای معرفت الگویی بوده و بر پایه نظام فلسفی، نظام انسان‌شناسی، و نظام ارزشی است که این زمینه‌ها به علت قلت زمان طرح حکمرانی در غرب و نیز دیدگاه انسان‌محوری و عدم استفاده از ظرفیت‌های علوم الهی وجود ندارد. بنابراین، با توجه به جمیع شواهد، می‌توان نتیجه گرفت که نه تنها دین اسلام بر اساس آموزه‌های پایه‌ای و نیز تاریخی‌اش دارای قابلیت‌های ارائه مؤلفه‌های حکمرانی است. به‌گونه‌ای که می‌توان از حکمرانی اسلامی شایسته سخن راند. بلکه این حکمرانی شهری شایسته از جامعیت بیشتری نسبت به نوع غربی آن به‌منظور استقرار در شهرهای کشور ایران برخوردار است. بنابراین، در مقاله حاضر به بررسی و مقایسه سه مکتب لیبرالیسم، سوسیالیسم، و اسلام پرداخته خواهد شد تا قابلیت‌های حکمرانی اسلامی شایسته در حوزه مدیریت شهری در مقایسه با نمونه‌های غربی آن به‌خوبی پدیدار شود.

پیشینه پژوهش

صفایی‌پور و سجادیان (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «جستاری بر برنامه‌ریزی فضایی و نظام شهرسازی مبتنی بر ایدئولوژی سوسیالیسم» بیان کردند که جامعه‌خواهی، جامعه‌گرایی یا سوسیالیسم، اندیشه‌ای سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی است که برای ایجاد یک نظم اجتماعی مبتنی بر انسجام همگانی می‌کوشد؛ جامعه‌ای که در آن همه قشرهای اجتماعی سهمی برابر در سود همگانی داشته باشند. این ایدئولوژی از گذشته بر همه عرصه‌ها اثرگذار بوده و امروزه نیز در چارچوب شاخه‌هایی از آن چون سوسیالیسم بازار، سوسیال دموکراسی، سوسیالیسم علمی، و سوسیالیسم اسلامی همچنان اثرگذار است. یافته‌های تحقیق نیز در چارچوب نظام‌های برنامه‌ریزی فضایی و شهرسازی کشورهای اتحاد جماهیر شوروی (سابق)، اروپای شرقی، و چین ارائه شد.

مشکینی و مقدم (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مؤلفه‌ها و شاخص‌های شهر اسلامی با تأکید بر نقش و اهمیت فرهنگ‌سازی در تحقق الگوی شهرسازی اسلامی ایرانی» بیان کردند که بر این اساس این پژوهش به منظور تجلی

ارزش‌های اسلامی در کالبد شهر به شناسایی ارزش‌هایی می‌پردازد که بتوانند با ظهور در مجتمعی اسلامی هویت آن را نمایش دهند. در این مقاله به معرفی اساسی‌ترین آن‌ها شامل مسجدمحوری، درون‌گرایی، محله‌محوری، و طبیعت‌گرایی پرداخته شده است. نتایج کار بیانگر آن است به‌رغم اصول و ارزش‌های تأثیرگذار که می‌تواند در ساخت محیط خود را نمایان سازد، اجرای این اصول و ارزش‌ها نیازمند یک کار فرهنگی درازمدت است تا استحاله حاکم بر شهرها و شهرسازی را منطبق با این اصول راهنمایی کند.

ایمانی شاملو و صارمی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «تبلور خطوط فکری نظام‌های حکومتی در عرصه برنامه‌ریزی شهری» با مطالعه تحلیلی در نظام‌های سوسیال و لیبرال بیان کردند که تخصص‌گرایی حاصل از مدرنیسم باعث رشد چشم‌گیر رشته‌های علمی و زمینه‌های فکری مختلف شد و این امر به حل بسیاری از مشکلات ناگشوده در این زمینه‌ها منجر شد. یافته‌های این پژوهش، با استفاده از تعریف و جایگاه نظریه برنامه‌ریزی شهری در دو نظام سوسیال و لیبرال، خصوصیات فضایی شهر سوسیالیستی و تفاوت‌هایش با شهر نظام سرمایه‌داری بررسی شده است. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که شکل‌یابی پیکره شهر، که خود زاینده فرایند برنامه‌ریزی شهری است، تحت تأثیر آرمان‌هایی قرار دارد که خود ملهم از خطوط فکری نظام‌های حکومتی است.

حاتمی‌نژاد و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «اثرات برنامه‌ریزی متمرکز سوسیالیستی بر تحولات برنامه‌ریزی و الگوهای توسعه و عمران شهری در شوروی» بیان کردند که ابداع و به‌کارگیری برنامه‌ریزی متمرکز در راستای حل مسائل و مشکلات شهری و ایجاد تحولات در توسعه و عمران شهرها و در کل اقتصاد یک سرزمین در نظام جدید سوسیالیستی در شوروی انجام پذیرفت که بر اساس کلیت عمومی عوامل تولید و مداخله همه‌جانبه دولت استوار شده بود. در این مقاله سعی شده است که به ابعاد مختلف تحولات شهری در شوروی از قبیل روند ایجاد و توسعه شهرهای جدید، تحولات مسکن، و توسعه اجتماعی-اقتصادی و کالبدی، مسائل ناحیه‌ای و در کل سیاست شهری در قالب برنامه‌ریزی متمرکز پرداخته شود.

پورمعصومی هوشمند (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «شکل و ساختار شهر سوسیالیستی از دهه ۱۹۲۰ تا فروپاشی نظام‌های کمونیستی» بیان کرد که شهر سوسیالیستی حاصل برنامه‌ریزی اقتدارگرا، غیرمنعطف، و آهنین سوسیالیستی کشورهای بلوک شرق است. در سال‌های دهه بیستم، این نوع برنامه‌ریزی از بالا به پایین و معمولاً به صورت سریع و ضربتی به مرحله اجرا گذارده شده است. امروزه، آنچه در نقشه کاربری شهرهای شرق دیده می‌شود کاملاً با کاربری شهرهای غربی متفاوت است. تأثیر ایدئولوژی در طراحی شهری نیز کاملاً به چشم می‌خورد. بلوک‌های آپارتمانی بی‌جاذبیت که در اکثر قریب به اتفاق این شهرها دیده می‌شود با هدف ساخت مسکن ارزان‌قیمت کارگری ساخته شده‌اند.

حسینی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای که در ششمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر مؤلفه‌های شهر اسلامی ارائه شده است به بررسی مبانی اندیشه اسلامی در شکل‌گیری فضای کالبدی آرمان‌شهر پرداخته است. وی اعتقاد دارد اندیشمندان اسلامی کمتر به ویژگی‌های کالبدی شهر مطلوب اسلام و ایمان‌های ساخت این شهر پرداخته‌اند و در نهایت در هفت بخش مکان‌یابی شهری، مساجد، راه‌ها و معابر عمومی، واحدهای همسایگی، بنای مسکونی، محیط زیست و فضای سبز و زیباسازی پیشنهادهایی ارائه می‌دهد.

موسوی‌نژاد و سادات‌حسینی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل نظریات مخالف مفهوم شهر و شهرسازی اسلامی» به بررسی نظریات محققانی پرداخته که با برخی دیدگاه‌های پیرامون شهر و شهرسازی اسلامی موافق نیستند. وی به این نتیجه رسیده است که، برخلاف ادعای این محققان، اولاً شهرنشینی پیوند مستحکمی با فرهنگ اسلامی دارد و ثانیاً شهر اسلامی تقلیدی از دیگر شهرها نیست، بافت آن منظم و قاعده‌مند است و مملو از تأسیسات خدمات عمومی است.

خزاعی‌نژاد (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه اصول شهر ایرانی اسلامی با اصول شهرگرایی جدید» به مقایسه اصول شهرسازی جدید با اصول شهرسازی مکتب اصفهان پرداخته است. وی به این نتیجه رسیده است که قرابت میان اصول شهرسازی جدید و شهرسازی در مکتب ایرانی اسلامی اصفهان بسیار بیشتر از تفاوت میان این دو روش شهرسازی است و در مجموع این دو جریان همسوست.

تخم‌کاری (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «توسعه پایدار و شهر اسلامی» به جمع‌بندی تعاریف شهر اسلامی و توسعه پایدار و ویژگی‌های مطلوب آن‌ها و نیز جایگاه توسعه و دستیابی به آن از منظر متون دینی پرداخته است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، پژوهش خاصی در زمینه مقایسه سه مکتب اسلام، لیبرالیسم، و سوسیالیسم انجام نگرفته است و این مقاله در پی آن است این کمبود را جبران کند و به مقایسه این سه رویکرد در زمینه مدیریت شهری بپردازد.

مبانی نظری

بازسازی ساختار اقتصادی کشورهای غربی پس از دهه ۱۳۷۰، که با تشدید فرایند حومه‌نشینی همراه بود، سبب شد تا مشکلات نواحی شهری به‌خصوص در نواحی صنعتی قدیمی‌تر که با فقر و بیکاری مواجه شده بودند افزون شود. بنابراین، مدل دیگری معرفی شد که در آن سیاست‌های محلی به سه دسته تقسیم می‌شد: سیاست‌های توسعه‌ای، سیاست‌های تخصیصی، و سیاست‌های بازتوزیعی. سیاست‌های اول و دوم به رشد و کارآمدتر شدن شهرها کمک می‌کند؛ درحالی‌که سیاست‌های بازتوزیعی مخرب‌اند.

تبیین نظری مدل مطلوب مدیریت شهری

مدل مفهومی مدیریت شهری بر اساس رویکردها و این تعریف متشکل از دو مفهوم «شهر» و «مدیریت» و با تأکید بر یکپارچگی مدیریت شهری ارائه شده است. بر مبنای این مدل، مدیریت شهری عبارت است از: یک نظام مدیریتی ویژه که در قلمرو جغرافیایی معین به نام شهر مسئولیت بهبود و توسعه عملکردهای شهری را به‌عهده دارد. ابعاد سه‌گانه این مدل عبارت‌اند از:

مدیریت و وظایف اصلی آن مشتمل بر برنامه‌ریزی شهری، سازمان‌دهی شهری، هدایت و رهبری شهری، نظارت و کنترل شهری، تأمین و تخصیص منابع شهری؛
شهر و قلمروهای جغرافیایی آن مشتمل بر قطعه زمین، محله، ناحیه، منطقه، شهر، و حریم شهر؛
شهر و عملکردهای شهری مشتمل بر سیاست شهری، اقتصاد شهری، اجتماع شهری، فناوری شهری، حقوق و قوانین شهری و محیط شهری.

به این ترتیب، یکپارچگی مدیریت شهری و یکپارچگی و پایداری توسعه شهری در گرو توازن و توسعه یکپارچه ابعاد سه‌گانه بالا و همه مؤلفه‌های آن‌هاست. روشن است که خود یکپارچگی مدیریت شهری نه هدف، بلکه ابزاری برای نظام مدیریت شهری برای تحقق «شهر خوب» است. شهر خوب شهری است که رقابتی‌تر، منصفانه‌تر، و پایدارتر باشد و بماند (فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۲-۵۴).

الگوهای مدیریت شهری

ساختاردهی بوروکراتیک از نوع ماکس وبری: اگرچه این نوع ساختار برای فعالیتهای نسبتاً پایدار، معمولی، ثابت، و مداوم و با بُعد زمانی طولانی مناسب است، درواقع طراحی وظیفه‌ای سازمان شهرداری در شرایط فعلی از گذشته بر این مبناست. یعنی کل فعالیتهای را به وظایف جزئی تقسیم کردن، که مشکلاتی از قبیل تنزل کارایی سازمان، لوث شدن مسئولیت، انعطاف ناپذیری در تغییرات، تضاد و رقابت و تک‌بُعدی شدن مدیران و کارکنان از ویژگی‌های این ساختار است. شکل فعالیتهای مدیریتی شهری، که بخشی از آنها ثابت و مداوم است، ضرورت حفظ و تحول ساختار بوروکراتیک موجود را ایجاب می‌کند. همچنین، به دلیل شکل‌گیری شورای اسلامی شهر و مشارکت عمودی و افقی شهروندان، گذر از ساخت بوروکراتیک عمودی و وظیفه‌ای سازمان به ساخت فرایندی فرهنگ‌مدار ضروری است.

ساختار ماتریسی، پروژه‌ای، و موقتی: رسالت جدید شهرداری‌ها تنوع وظایف و اهمیت بالای مالی، فنی، زمانی، و سیاسی پروژه‌های شهری، ضرورت سامان‌دهی فعالیتهای در قالب‌های جدید ساخت سازمانی بر مبنای پروژه را ایجاب می‌نماید. گرچه در شرایط فعلی و بنا به مقتضیات زمانی و به صورت تجربی و سازمان‌نیافته این نوع ساختار در مورد برخی از پروژه‌ها اجرا شده است (پروژه قطار شهری، پروژه ساختمان‌دهی حریم شهر و غیره)، عدم رعایت اصول منطقی حاکم بر فرایند طراحی ساخت‌های پروژه‌ای و تراکم و تمرکز بخش عمده انرژی و امکانات سازمان و صرف آن در یک فعالیت خاص باعث هدررفت و عدم بهره‌برداری از امکانات و توان‌های بالقوه موجود شده است. همچنین، جایگاه مدیریت‌ها به لحاظ تشکیلاتی و مالی مشخص نیست و ارتباطات درون‌سازمانی به‌دقت تعریف نشده‌اند. بنابراین، منضبط و قانونی کردن ساخت ماتریسی پروژه‌ای برای توسعه فعالیتهای و رسالت جدید سازمان مدیریت شهری (شهرداری) در پاسخ‌گویی به شهروندان ضروری است. در ساخت پروژه‌ای ضعف یک واحد کل سازمان را تحت تأثیر قرار نخواهد داد و مشکلات ناشی از سلسله‌مراتب و کندی ارتباطها کاهش می‌یابد. همچنین، تشکیل ساختار سازمانی موقتی ویژه با تشکیل گروه‌های کاری موقت و اعزام به کار برحسب ضرورت به جای بخش‌های وظیفه‌ای یا بوروکراتیک دائمی، وضع قوانین محدودکننده، و عدم تمرکز و همکاری گروهی مناسب‌تر از سازمان‌دهی موجود است (مرادی‌نیا، ۱۳۸۹: ۲۷). با واگذاری مدیریت شهری به نهادهای مردمی، اداره شهر شکلی پویا و زنده به خود گرفت و زمینه مشارکت مردم در امور ایجاد شد. مردم با دخالت و نظارت مستقیم در امور زندگی خود از خرده‌گیری به نهادها کوتاه خواهند آمد و کاستی‌های محلی را به ناتوانی‌های نهادهای کشوری پیوند نخواهند زد. از سوی دیگر، با سپردن امور محلی به مردم، از جمله به‌کارگیری نظارت و مشاوره مردم در اموری همچون تهیه طرح راهبرد توسعه شهر، دولت نیز فراغت خواهد یافت تا به امور فراشه‌ری بپردازد، با این تفویض اختیار و توجه به دولت‌های محلی در سطح مدیریت شهری پیوند میان مردم و امور شهر نوعی دلبستگی و یگانگی در میان مردم ایجاد می‌شود و حالت از خود بیگانگی مردمی کاهش می‌یابد که نتیجه این امور با تدوین یک طرح توسعه راهبردی شهر مناسب به آسایش و رفاه شهروندان منجر می‌شود (مرادی‌نیا، ۱۳۸۹: ۲۳). اهداف کلی مدیریت شهری در پی این نکته‌اند که مدیریت شهری پیگیر تحقق چه اهدافی است. ذکر این نکته لازم است که اگر مدیریت شهری به معنای برعهده‌گرفتن یک مسئولیت مداوم برای رسیدن به اهداف معین باشد و در صورتی که به سکونتگاه‌های مختلف توجه کنیم، واکنش مناسب از جایی به جایی و از زمانی به زمان دیگر متفاوت خواهد بود و هر بافت با توجه به ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، و کالبدی خاص خود اهداف را در مدیریت شهر سازمان می‌دهد (ایمانی جاجرمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷۲-۱۷۳).

روش پژوهش

برای تدوین ادبیات موضوع و مباحث نظری تحقیق، اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری و به بررسی اسنادی اقدام شد. بدین صورت که با مطالعه متون، مقالات، کتب، و منابع مربوط به اصول معیارهای مدیریت مطلوب شهری، بر اساس مکاتب سیاسی، اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری و بررسی و تحلیل شد. این تحقیق وضع موجود را بررسی می‌کند و به توصیف منظم و نظام‌دار وضعیت فعلی آن می‌پردازد و ویژگی‌ها و صفات آن را مطالعه و ارتباط بین متغیرها را بررسی می‌نماید. روش این تحقیق توصیفی-تحلیلی و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی است.

بحث و یافته‌ها

مدیریت مطلوب شهری از دیدگاه مکتب لیبرالیسم

نگرش لیبرال به حمایت از سیاست‌های اول و دوم و طرد سیاست سوم می‌پردازد. در دکترین راست نو، سیاست‌های رفاهی در حکومت‌های محلی سازوکاری مشروعیت‌بخش قلمداد نمی‌شود و تکیه بر ابزار بازار برای برنده‌شدن در رقابت میان شهرها جای آن را می‌گیرد. تئوری رقابتی بودن شهرها، که از وجوه اصلی مورد توجه در مدیریت شهری است، ناشی از همین نگرش است (دروز، ۲۰۱۴: ۱۴). مهم‌ترین خاستگاه مدیریت شهری را باید در اندیشه‌های راست نو جست‌وجو کرد که در واقع ارجاعی به سنت لیبرالیسم قدیمی‌اند. اساساً لیبرالیسم پیوندی عمیق و تاریخی با سرمایه‌داری دارد (کادی، ۲۰۱۴: ۷). بایستی به این نکته توجه داشت که میان لیبرالیسم فلسفی به معنای آزادی بیان و اندیشه و لیبرالیسم اقتصادی تفاوت وجود دارد. آنچه در ادبیات مرتبط با حکومت و سیاست با مفهوم لیبرالیسم پیوند دارد نظام سرمایه‌داری است که متکی بر آزادی اقتصادی است. پس مفهوم لیبرالیسم در عرصه حکومتی بیشتر ناظر بر لیبرالیسم اقتصادی است تا لیبرالیسم فلسفی. بدین ترتیب، مدیریت شهری، به‌عنوان بخشی از بدنه حاکمیت، چه از لحاظ مفهومی چه از نظر عینی، همواره متأثر از لیبرالیسم، دموکراسی، و بوروکراسی بوده و در طی زمان و چرخش‌های تاریخی در این مفاهیم سه‌گانه شکل گرفته است. درحقیقت، رجوع به لیبرالیسم اقتصادی کاستن از دامنه دخالت دولت در ایجاد برابری و توزیع امکانات رفاهی و البته کاهش بوروکراسی به علت ناکارآمدی آن در رسیدن به اهداف و نتایج و تکیه بیش از حد به فرایند به جای هدف شکل‌دهنده مبانی مدیریت شهری است (تولمو، ۲۰۱۴: ۷). مکتب لیبرالیسم نیز، با تکیه بر پاسخ‌گویی، کارایی، و مسئولیت‌پذیری جای دیدگاه‌های سنتی در اداره امور دولتی را گرفت. بالطبع این نگرش در تعارض با بوروکراسی بود که روزگاری بهترین ابزار برای رسیدن به اهداف دولت‌های رفاهی تلقی می‌شد (داس، ۲۰۱۵: ۷۲۱). تأکید مدیریت دولتی نوین بر افزایش انعطاف‌پذیری، رقابت، تمرکززدایی در تصمیم‌گیری، تمرکز بر نتایج به جای فرایندها، خصوصی‌سازی و بازارمحورشدن خدمات در بخش دولتی بود. تلقی مکتب لیبرالیسم از شهروندان، به‌مثابه مشتریان، مانع از این می‌شود تا دولتمردان خود را نماینده منافع عامه بدانند (قربی و محمد، ۲۰۱۷: ۲).

تأسی بخش خصوصی از ارزش‌های مدیریت‌گرایی و رشد آن سبب شد تا سیاستمداران و مقامات اداری نیز به این ارزش‌ها روی آورند و اصلاحات مبتنی بر مدیریت لیبرالیسم در شهرداری‌ها و سازمان‌های محلی که در خط مقدم خدمات‌رسانی به شهروندان قرار داشتند آغاز شد. چنین نگرشی سبب شد تا مقامات محلی در کشورهای غربی در مدل‌های سنتی حاکم بر اداره امور شهرها و ارائه خدمات تجدیدنظر و از مشارکت عمومی شهروندان و بخش خصوصی در بهبود کیفیت زندگی ساکنان استفاده کنند (کواس، ۲۰۱۷: ۹۹). دیدگاه لیبرالیسم امروزه به‌عنوان یک مکتب مهم فکری در عرصه شهرسازی مطرح است که طی فرایندی تاریخی در غرب ایجاد شده و رشد کرده است که در نهایت به‌عنوان یک مکتب مهم شناخته شده است. لیبرالیسم به معنی آزادی‌خواهی است که متفکران غربی معتقدند توجه به

آزادی و مشارکت فکری مردم می‌تواند باعث بهبود مدیریت شهری شود (ریچارد شراگر، ۲۰۱۳: ۶۷) در واقع، مکتب لیبرالیسم به این مفهوم معتقد است که شهروندان از طریق مشارکت در اداره شهر و سپردن مدیریت آن به دست افراد مناسب خواهد توانست به یک الگوی مطلوب مدیریت شهری دست یابد که بدین منظور شاخص‌هایی را نیز معرفی کرده است که می‌توان به شرح زیر بدان‌ها پرداخت:

مشارکت

مشارکت شهروندان در اداره شهر، به‌عنوان یک اصل مهم برای مدیریت شهری، متأثر از مکتب لیبرالیسم است. در این خصوص می‌توان بیان کرد این مکتب بر آن است که لازم است حداکثر شهروندان بتوانند با نهادینه‌سازی فرهنگ شهری و آزادی عمل در انتخاب مسئولان در اداره شهرها مشارکت داشته باشند و با استفاده از اجماع مردمی به بهبود روند آن کمک کنند. در واقع، مردم در نگاه این مکتب به‌عنوان یک اصل مهم در اداره شهرها شناخته می‌شوند (بورتین و همکاران، ۲۰۱۸: ۸).

اصالت آزادی

طبق دیدگاه مکتب لیبرالیسم، شهروندان مختارند در شهری که سکونت دارند آزادانه بدون قانون‌شکنی به‌راحتی زندگی کنند و اداره امور مدیریت شهری را در اختیار افرادی قرار دهند که با نظر آن‌ها انتخاب شده باشد و مدیران شهری نیز حق آزادی را برای آن‌ها محفوظ داشته باشند و در امور شخصی شهروندان دخالت ننمایند و در قبال مسئولیت خود به شهروندان پاسخ‌گو باشند (راندی، ۲۰۱۴: ۵۱).

ایجاد طبقات شهری

مکتب لیبرالیسم بر آن است که افراد ثروتمند و فقیر باید در شهرها مجزا باشند و به نوعی افراد ثروتمند دارای مسکن بهتری نسبت به افراد فقیر باشند که این اصل نشان می‌دهد توجه به زندگی اشرافی در مکتب لیبرالیسم مورد توجه است و از طریق ایجاد طبقات اجتماعی و بخش‌بندی نواحی شهری سعی دارد افراد مرفه را در یک منطقه مناسب و بهتر قرار دهد که افراد فقیر بضاعت زندگی در آن بخش را ندارند و به نوعی ثروت تعیین‌کننده طبقه اجتماعی و شهری یک فرد خواهد بود (داس، ۲۰۱۵).

رفاه اجتماعی

مکتب لیبرالیسم بر آن است که رفاه اجتماعی باید به گونه‌ای باشد که افراد با توجه به شرایط خود بتوانند از امکانات و تسهیلات شهری اعم از حمل و نقل، تفریحات، کسب‌وکار، و ... استفاده کنند و با توجه به میزان توان و تلاش خود به رفاهی نسبی دست یابند تا بتوان گفت که زندگی شهروندان در حد مناسبی است که به‌عنوان یک شاخص مدیریت مطلوب شهری مطرح شده است (ریچارد شراگر، ۲۰۱۳: ۶۷)

نگرش لیبرال فرد را مبنای ارزش‌های اخلاقی می‌شمارد و همه افراد را دارای ارزش برابر می‌داند. اصل اساسی آن خوش‌بینی نسبت به ذات انسان است. از نظر آن‌ها، انسان می‌تواند با کمک خرد و عقل خود بدون نیاز به راهنمایی دیگران پیشرفت کند. از این رو، انسان باید تا حد ممکن آزاد باشد. این ایدئولوژی با اشکال سنتی قدرت ضدیت دارد و از بسط اختیار و انتخاب فرد تا حد ممکن دفاع می‌کند. سیاست اقتصادی نظام‌های لیبرال زمینه را برای رشد بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری متهور به سبک دوران سرمایه‌داری لیبرال فراهم کرده است. از این منظر، بهترین شکل کمک

حکومت به اقتصاد این است که بازار را در تعیین سرنوشت خود آزاد بگذارد (نیک‌نشان و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۳). در نگرش لیبرالی ارائه خدمات رفاهی در درجه نخست بر عهده بازار و سپس مؤسسات خیریه و خانواده‌هاست و نقش دولت محدود به نظارت بر عملکرد بازار است و جمعیت فقیر را هدف قرار می‌دهد و بر ارائه خدمات محدود مبتنی است. جمعیت بر اساس آزمون استطاعت مالی تعیین می‌شود و وابستگی بازتویع درآمد و میزان کالاذدایی کم است (وصالی و امیدی، ۱۳۹۳: ۱۸۵).

مدیریت مطلوب شهری از دیدگاه سوسیالیسم

با ظهور جامعه‌ای که خود را وقف اجرای اصول مارکسیستی کرده بود، ایجاد نظامی شهری که بازتاب این ایده‌ها باشد وظیفه بسیار بزرگی تلقی می‌شد. نوشته‌های مارکسیستی، که از آن‌ها برای آگاهی‌یافتن از انگاره‌های برنامه‌ریزی شهری استفاده می‌شد، رهنمودهای روشن اندکی در این زمینه در اختیار می‌گذاشت که چگونه باید الگوی شهر سوسیالیستی را ساخت؛ این امر به تنوع گسترده‌ای از تفسیرها و شکل‌گیری چند مکتب فکری رقیب انجامید. این مباحثات در سال‌های اولیه اتحاد شوروی به طرح آرایبی انجامیدند که همگی در پایه و اساس برنامه‌ریزی سوسیالیستی تلفیق و در سایر کشورها به کار بسته شدند (هورات، ۲۰۱۰: ۴۶). هدف واقعی برنامه‌ریزی سوسیالیستی این بود که با بازگشت به هدف اجتماع از حس اجتماعیت در هر خردمنطقه و در هر ساختمان بهره‌گیرد و برنامه‌ریزان از این طریق افرادی را با زمینه‌های قومیتی و سطوح اشتغالی گوناگون در یک ساختمان قرار می‌دادند تا آشنایی و برقراری ارتباط میان این افراد را تشویق کنند؛ هرچند محدود نمودن اندازه خردمنطقه یقیناً به محلی‌سازی و تشویق به آشنایی و برقراری ارتباط کمک می‌کرد. برخلاف شهرهای سرمایه‌داری که در آن‌ها خدمات و کالاهای مصرفی عمدتاً در مرکز قرار گرفته‌اند، شهرهای سوسیالیستی ارزش خاصی برای توزیع یک‌دست آن‌ها در سرتاسر شهر قائل‌اند و با در نظر گرفتن سامانه حمل‌ونقل و مسافت کوتاه پیاده‌روی و وجود همه نوع امکانات رفاهی در یک خردمنطقه این نحوه توزیع به‌خوبی با طرح جامع شهر سوسیالیستی، که هدفش برآوردن تقاضاهای مردمی بود، جور درمی‌آمد (نینگون و همکاران، ۲۰۱۸: ۷). حکومت بر این عقیده بود که مسکن کافی خصیصه جدایی‌ناپذیر سوسیالیسم است و هرچند برنامه‌های صنعتی‌سازی سریع و سال‌های جنگ متعاقب آن این خصیصه را به‌منزله یک اولویت نادیده گرفت، این مسئله همواره در گفتمان حزبی وجود داشت (لایت و یانگف، ۲۰۱۰: ۹). دی‌مایو در مسکن شهری در شوروی مسائل و سیاست‌گذاری‌های موضع حکومت را در این مورد قید می‌کند: «قانون بنیادی اقتصاد سوسیالیستی عبارت است از برآورده‌ساختن نیازهای مادی و فرهنگی کارگران. به همین دلیل بسیار مهم است که همه کارگران مسکن خوب و مطمئن در اختیار داشته باشند که بتوانند در آن کار و استراحت کنند و نسل جوان‌تر را در بهترین شرایط ممکن به‌بار آورند». حکومت مرکزی، با اذعان به استمرار بحران مسکن، از برنامه مسکن خود به‌عنوان یک وظیفه بزرگ سوسیالیسم پشتیبانی می‌کرد (برکی، ۲۰۱۴: ۳۲۱). گوتنف با دیگر رویکردها هم‌عقیده نبود، زیرا مهاجرت همیشگی به شهرها را درک کرده بود و به جای بهره‌گیری از شکل‌های شهری بدیل پیش‌نهاد برنامه‌ریزی برای آن می‌داد. حومه‌های شهری امریکا عموماً به‌عنوان مکان‌هایی ملالت‌آور و کسالت‌بار، که اجتماع و برهم‌کنش‌های اجتماعی را تضعیف می‌کنند، مسخره می‌شدند. حکومت ضمن موافقت ایده‌های گوتنف را از قبیل تمرکززدایی، بلندمرتبه‌سازی، خردمنطقه‌ها، و استفاده از مصالح پیش‌ساخته مشتاقانه پذیرفت (لوگا، ۲۰۱۷: ۹).

درواقع، شهر سوسیالیستی مفهومی است که با وام‌گرفتن از مبانی فکری کمونیسم و تحت حاکمیت و اقتدار حکومت شکل گرفته است. این خط فکری مفهوم و کیفیت منظر شهری را تحت تأثیر قرار داده و به شکل‌گیری ساختاری از شهر منجر شده که با نادیده‌گرفتن بسترهای تاریخی، اجتماعی، و فرهنگی و همچنین گماشتن مردم فقط به‌عنوان نیروی کار

برای تولید بنا شده‌اند؛ درواقع، شهر سوسیالیستی را می‌توان نتیجه برنامه‌های مقتدرانه و غیرمنعطف دانست که با هدف نظم اجتماعی مبتنی بر انسجام همگانی و با اقتدار و نظارت بی‌چون‌وچرای حکومت شکل گرفته است (باری، ۲۰۱۷: ۹). این نوع برنامه‌ریزی به ایجاد قالب‌های تکرارشونده در شهر منجر شده که با سرعت و اغلب به‌منظور اسکان نیروی کار (مردم) در ساختمان‌های ارزان‌قیمت کارگری ساخته شده‌اند (لوگا، ۲۰۱۷: ۹). ایدئولوژی سوسیالیسم با تقویت تسلط دولت بر شکل زندگی شهروندان اختیار آن را از دست مردم خارج کرد و بازخوردهای انسانی و اساساً انسان را به‌عنوان مهم‌ترین عضو در منظر شهری نادیده گرفت (اسمیت، ۲۰۱۵: ۷۵). تاکنون پژوهشگران غربی تحقیقات وسیع و متعددی درباره چگونگی ساختار، شکل، و سیاست‌های دولتی شهرهای سوسیالیستی انجام داده‌اند (لایت و یانگف، ۲۰۱۰: ۹). همچنین، رابطه میان سیاست‌های سوسیالیستی کشورهای بلوک شرق، توسعه شهری، و طراحی و ساخت شهرهای جدید در این کشورها بررسی شده است. از هشتاد سال قبل تا فروپاشی اتحاد شوروی، در کشورهای اروپای شرقی همواره سعی بر آن بوده که شهرسازی بر اساس ایده‌های سوسیالیستی و بر اساس منافع طبقه کارگر استوار باشد (ساندر، ۲۰۱۸: ۵). سوسیالیست‌ها، برای از بین بردن ستیز طبقاتی و نابرابری اجتماعی، بر آن‌اند که محصولی که اجتماع تولید کرده باید به اجتماع واگذار شود؛ یعنی به‌طور کامل مالکیت خصوصی را نهد و آن را عامل اصلی قشربندی و نابرابری اجتماعی می‌دانند. از نظر آن‌ها، دولت قدرت مطلق حاکم بر شهر است (مهیلی، ۲۰۱۳).

به عبارت دیگر، در آموزه‌های سوسیالیسم به اصالت جمع، مالکیت دولتی، و برنامه‌ریزی متمرکز اقتصادی تأکید شده است. بنابراین، تعاریف عدالت از سوی اندیشمندان وابسته به این مکتب فکری حول دو مفهوم نیاز و برابری می‌چرخد. مارکس، بزرگ‌ترین فیلسوف این مکتب، برابری وجودی انسان‌ها را فراموش کرده و برابری انسان‌ها را نه بر مبنای استحقاق راستین، بلکه بر مبنای ثروت و دسترسی به ابزار تولید دانسته و بهره‌گیری افراد را از حقوق و مزایای جامعه بر این اساس دانسته است (صفایی‌پور و سجادیان، ۱۳۹۵: ۲۳۰). از دیدگاه ایدئولوژی سوسیالیسم، شهر عرصه‌ای است از مبارزه طبقاتی. و هدف بلافصل شهرساز عبارت است از حذف موانعی که موجب نابرابر شهروندان در شهرها می‌شود. به عبارتی، در ذات شهر، عنصر تضاد نهفته است و این تضاد ذاتی نمادهای متفاوتی می‌تواند داشته باشد (جولینو و ناوازاکی، ۲۰۱۸: ۵۷). در این نگرش، که دغدغه عدالت وجود دارد، نظام برنامه‌ریزی متمرکز و از بالا به پایین برنامه‌ریزی سفت و قدرتمندانه دولت مرکزی با نگاه بخشی و غیرمشارکتی که به‌طور مشخص در دولت شوروی سابق یافت می‌شد از ویژگی‌های شهرهای قرارگرفته در این حوزه ایدئولوژیکی است.

مدیریت مطلوب شهری از دیدگاه اسلام

شاخص‌های دیدگاه اسلام

شهردار مقبول و محبوب

مفهوم شهردار (مدیریت) شهر در تعاریف کل‌نگر از مفهوم صرف اداره امور شهر فراتر می‌رود و با ساختارهای اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی پیوند می‌یابد و نقش فعال‌تری در توسعه شهر پیدا می‌کند. در این نگرش، مدیریت شهری مسئولیتی استراتژیک تلقی می‌شود که ضرورتاً با نتایج و پیامدهای عملیاتی نیز همراه است و به همین دلیل تعامل آن با حوزه‌های قدرت، سیاست، اجتماع، و اقتصاد شهری نیز اجتناب‌ناپذیر است (نقی‌زاده، ۱۳۹۰: ۴۶). در قرآن کریم مدیریت شهری اهمیت ویژه‌ای دارد تا جایی که وقتی حضرت موسی (ع) شهر را برای مدت زمانی ترک کرد خداوند برای ایشان جانشینی در شهر قرار داد تا مردم را سازمان‌دهی و از فساد آنان جلوگیری کند. اما باید متذکر شد قرآن کریم هرکسی را مدیر شهر معرفی نمی‌کند، بلکه دانش و آگاهی مدیران و شهرداران شهری نسبت به قوانین و مقررات اسلامی، به‌ویژه در بُعد

مدیریت امور مردم، و همچنین آگاهی و دانایی به وظایف محوله در شهر را اولین شرط لازم و ضروری شهردار شهر اسلامی برشمرده است، به استناد آیه ۵۵ سوره یوسف: [یوسف] گفت: «مرا بر خزانه‌های این سرزمین بگمار، که من نگهبانی دانا هستم.» در تفسیر این آیه آمده است: تعبیر «إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» دلیل بر اهمیت مدیریت در کنار امانت است و نشان می‌دهد که پاکی و امانت به‌تنهایی برای پذیرش یک پست حساس اجتماعی کافی نیست، بلکه علاوه بر آن آگاهی و تخصص و مدیریت نیز لازم است، زیرا «علیم» را در کنار «حفیظ» قرار داده است (فیضی دکنی، ۱۴۱۷: ۱۲۸). با کنکاش در آیات قرآن کریم برای مدیریت شهر اسلامی توصیه‌ها و روش‌هایی پیشنهاد شده است؛ از جمله اینکه اداره امور شهر با مشارکت مؤمنان، خردمندان، و نخبگان جامعه اسلامی انجام گیرد. «در حقیقت، مؤمنان با هم برادرند، پس میان برادران را سازش دهید.» علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۱۰ سوره حجرات چنین آورده است: همان اندازه که برای ایجاد صلح در میان دو برادر نسبی تلاش و کوشش می‌کنید باید در میان مؤمنان متخاصم نیز برای برقراری صلح به‌طور جدی و قاطع وارد عمل شوید (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶۹).

امنیت عمومی

نگاهی به تاریخ اسلام اهمیت وجود امنیت فردی و اجتماعی را در ابعاد گوناگون بیان می‌کند؛ از جمله امنیت در برابر اشرار و امنیت داخلی (امنیت اقلیت‌های مذهبی)، امنیت در برابر ایجاد وحشت و حمله، امنیت شخصی، امنیت مسافر و امنیت عرفی و معنوی که هر یک بر کالبد و روح شهرهای دوران اسلامی تأثیر مشخص داشته است. امنیت آن قدر اهمیت دارد که حضرت ابراهیم(ع) قبل از هر چیزی از خدا برای مکه طلب «امنیت» می‌کند. به‌طوری‌که این درخواست حضرت ابراهیم(ع) دو مرتبه در قرآن کریم آمده است (بقره: ۱۲۶؛ ابراهیم: ۳۵): «و [یاد کن] هنگامی را که ابراهیم گفت: پروردگارا، این شهر را ایمن گردان»؛ این آیه نشان‌دهنده اهمیت امنیت است، زیرا وی نخست تقاضای امنیت و سپس درخواست مواهب اقتصادی می‌کند و این خود اشاره‌ای است به این حقیقت که تا امنیت در شهر یا کشور حکم‌فرما نباشد، فراهم کردن یک اقتصاد سالم ممکن نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۳۶). مکه در اسلام اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد، از حیوانات و درختان و پرندگان او تا چه رسد به انسان‌ها از امنیت خاصی باید در آنجا برخوردار باشند و کسی در آنجا حق تعرض به دیگری را ندارد (حسینی شیرازی، ۱۴۲۴: ۱۳۴). از منظر روایات، امنیت شهری یکی از بزرگ‌ترین و گواراترین نعمت‌های الهی است که همه مردم به آن نیاز دارند و بدون آن شادی در زندگی بی‌مفهوم است. زندگی برای مردمی که امنیت ندارند لذت‌بخش نیست و معیار ارزش شهر میزان برخورداری آن از امنیت است؛ تا جایی که از امام علی (ع) روایت شده: «بدترین جا برای سکونت جایی است که ساکنان در آن امنیت نداشته باشند.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۴۷).

زیباسازی فضایی عمومی

یکی از مفاهیمی که در قرآن آیات فراوانی بدان اختصاص یافته مفهوم زیبایی است. بدیهی است برای کسب بینش دقیق نخست باید تعریف و حدود آن را تعیین کرد. «زیبا» دارای معانی‌ای چون شایسته، نیکو، جمیل، و خوش‌نما است. و زیبایی نیز یعنی حالت و کیفیت زیبا که عبارت است از: نظم و هماهنگی که همراه عظمت و پاکی در شیء وجود دارد و عقل و تخیل و تمایلات عالی انسان را به تحسین وادارد و لذت و انبساط پدید آورد (معین، ۱۳۶۰: ۵۲). در یک اثر زیبای خلقت، در عین آنکه حس زیباجویی انسان اشباع می‌شود، دریافت کمال نیز دست‌یافتنی است. زیبایی شامل نمود یا پرده‌ای نگارین و شفاف است که روی کمال کشیده شده است. بنا بر این تعریف، زیبایی آن است که انسان را، ضمن رفع حس زیبای‌جویی‌اش، به کمال نیز نایل کند (جعفری، ۱۳۸۵: ۱۷۴). اما در مقوله شهرسازی، با توجه به تأکید آیات و

روایات، از وظایف هر شهرساز، محوریت قراردادن زیبایی و زیباسازی است. این وظیفه در همه عرصه‌ها از مکان‌یابی شهر گرفته تا جهت شهر و سیمای شهر ضروری است، زیرا زیبااندیشی و زیباسازی در سرور، شادابی، طراوت، و امنیت تأثیرگذار است. خداوند در قرآن کریم (حجر: ۱۹) بعضی از مصداق‌های زیبایی را برای جهان آفرینش که می‌تواند الگویی برای شهرسازان باشد این‌گونه توصیف می‌کند: «و زمین را گسترانیدیم و در آن کوه‌های استوار افکندیم و از هر چیز سنجیده‌ای در آن رویانیدیم.» کلمه «موزون» از «وزن» و به معنای سنجیدن اجسام از جهت سنگینی است، اما آن را عمومیت داده و در اندازه‌گیری هر چیزی که ممکن باشد آن را اندازه‌گیری کرد از قبیل اندازه‌گیری طول با وجب یا ذراع و امثال آن و اندازه‌گیری حجم و اندازه‌گیری حرارت و نور و نیرو و غیر آن استعمال کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰۴).

بهداشت عمومی

در نگرش اسلامی منظور از شهر اسلامی شهری است با تکیه بر مفهوم «طیب» به معنای شهر پاک و بهزیستی همراه با سالم‌زیستی سکونتی مادی و پاکی روحانی و معنوی. در قرآن برای شهر پاک و تمیز خصوصیتی بیان شده که یکی از آن‌ها دارابودن باغ، بوستان، و گلستان است. در نگرش قرآنی، شهر سالم شهری است که از این مسائل بهره‌مند باشد. در گزارش قرآن (سبأ: ۱۵) درباره شهر قوم سبأ می‌خوانیم: «قطعاً برای [مردم] سبأ در محل سکونتشان نشانه [رحمتی] بود: دو باغستان از راست و چپ [به آنان گفتیم]: از روزی پروردگارتان بخورید و او را شکر کنید. شهری است خوش و خدایی آمرزنده.» این شهر پاکیزه و پُربرتک است و خاکش شیرین است و از آن همه گونه گیاه و درخت بیرون می‌آید. زمین شوره و سخت نیست و در آن چیزی از حشرات موزیه و آزارکننده وجود ندارد. تا جایی که بعضی گویند: مراد از آیه مذکور این است که در آبادی آن‌ها پشه و مگس و عقرب و مار وجود نداشت و اگر غریبی وارد شهرشان می‌شد و شپش و ساس در لباسش بود، می‌مرد (طبرسی، ۱۳۷۷: ۲۴۳). در قرآن کریم برای شهر پاکیزه واژه «بلد الطیب» و برای شهر آلوده «بلد الخبیث» و شهر مرده مثال‌هایی به کار رفته است. در روایات اسلامی پاکیزگی و نظافت آنچنان مورد توجه قرار گرفته که آن را جزو ایمان، اعتقاد، و باور دینی برشمرده‌اند. همان‌طور که در حدیثی از پیامبر (ص) آمده است، «نظافت، تمیزی، و پاکی جزو ایمان است» (پاینده، ۱۳۶۳: ۳۶۱).

انسجام اجتماعی

یکی دیگر از شاخص‌های بارز شهر اسلامی داشتن روابط اجتماعی و امت واحده است. از جمله اموری که افق زندگی را بر انسان روشن می‌کند و او را از مزایای زندگی اجتماعی برخوردار می‌سازد این است که وی دگردوستی را وجهه همت خود قرار دهد. خداوند بارها از مفهوم امت واحد سخن گفته است و شهر مطلوب خویش را با انگیزه همبستگی «اسلام و ایمان» معرفی می‌کند. تسلیم‌بودن در مقابل حق و ایمان به مبدأ و معاد نوع خاصی از پیوند اجتماعی را پدید می‌آورد که از آن به «برادری ایمانی» یاد می‌شود. طبق این آیه ۱۰ سوره احزاب: «در حقیقت، مؤمنان با هم برادرند. پس میان برادرانتان را سازش دهید.» این در حالی است که در جاهایی که احساس شده امکان بروز لطمه به انسجام شهر وجود دارد به پیامبر(ص) اخطار داده شده و در راستای حفظ وفاق ملی و جلوگیری از ظهور شکاف در جامعه شهری دستور به مقابله به مثل داده شده است، مانند آیه ۱۰۷ سوره توبه که دستور به ویران کردن مسجد ضرار را صادر فرمودند. مسجد ضرار به‌منظور ضرررساندن به مسلمانان و تفرقه‌انداختن میان مؤمنان ساخته شده بود. شهر اسلامی شهری منسجم و متحد است. پیامبر اکرم(ص) با انعقاد پیمان‌نامه عمومی، به سروسامان دادن اجتماعی، تحکیم وحدت اجتماعی، و ایجاد

نظام شهروندی پرداخت و با پیمان اخوت، مرزهای شهری و قبیله‌ای را تغییر داد و به جای آن مرزهای دینی را بنا نهاد (عبدالجلیل، ۱۳۶۳: ۱۲۳-۱۲۴).

رفاه عمومی

قرآن راه رسیدن به رفاه عمومی را تخصیص مالکیت ثروت‌های اصلی و منابع طبیعی به عموم مردم و موظف کردن مسئولان جامعه نسبت به توزیع ثروت‌ها به صورت عادلانه و مسئول شمردن آن‌ها در برابر محرومیت محرومان و اسراف مسرفان و جلوگیری از این نابرابری‌ها می‌داند و بر کم کردن فاصله بین فقیر و غنی تأکید دارد. مؤید این مطلب آیه ۷ سوره حشر است: «تا میان توانگران شما دست به دست نگردهد.» با توجه به اندیشه‌های اسلامی، برای اینکه مردم در رفاه همگانی باشند، ضرورتاً شهر اسلامی بر مبنای عدالت است تا همه افراد بر حسب استحقاق‌های نامساوی در نظر گرفته شده و به آنچه مستحق آن‌اند به گونه برابر دست یابند. این گونه نگرش زیرساخت حیات اجتماعی و شهری انسان‌هاست. همان‌طور که در قرآن کریم (زخرف: ۳۲) به این امر اشارت دارد: «آیا آنان‌اند که رحمت پروردگارت را تقسیم می‌کنند؟ ما [وسایل] معاش آنان را در زندگی دنیا میانشان تقسیم کرده‌ایم و برخی از آنان را از [نظر] درجات، بالاتر از بعضی [دیگر] قرار داده‌ایم تا بعضی از آن‌ها بعضی [دیگر] را در خدمت گیرند.» در تفسیر این آیه این چنین آمده است: خداوند هیچ انسانی را بر انسان‌های دیگر در تمام جهات امتیاز نبخشیده و تسخیر و استخدام هر گروه نسبت به گروه دیگر درست از همین امتیازات سرچشمه می‌گیرد و این عین عدالت و تدبیر و حکمت است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۵۵).

شاخص‌های حکمرانی و انطباق آن‌ها با دیدگاه امام علی(ع) در نهج‌البلاغه

پاسخ‌گویی و حق اظهارنظر

مقصود از این شاخص میزان مشارکتی است که شهروندان می‌توانند در انتخاب دولت و نظام سیاسی داشته باشند. این شاخص همچنین بیانگر میزان آزادی بیان، آزادی احزاب و تشکل‌ها و اجتماعات، و آزادی رسانه‌های جمعی است. از این روست که حضرت علی(ع) هرگز حاضر نبود حکومت را به هر شکل ممکن به دست آورد، زیرا معتقد بود حکومتی می‌تواند مصداق حکمرانی خوب باشد که از اساس مبتنی بر رعایت ضوابط عقلی و شرعی و مقبولیت مردم باشد. آن حضرت حتی با اصرار از مردم خواست در صورت امکان او را از قبول خلافت معاف دارند و فرمود: «مرا واگذارید و دیگری را طلب کنید. اگر مرا رها کنید، من هم مانند یکی از شما هستم، شاید من شنواتر و مطیع‌تر از شما نسبت به رئیس حکومت باشم و اگر در چنین شرایطی من وزیر و مشاورتان باشم، بهتر از آن است که امیر و رهبرتان گردم.»^۲ **ثبات سیاسی و نبود خشونت:** این شاخص به معنای آن است که چه میزان احتمال دارد یک حکومت و نظام سیاسی از راه‌های غیرقانونی یا ابزارهای خشونت‌آمیز در معرض بی‌ثباتی و سرنگونی و براندازی باشد. بر اساس این شاخص، هر چه احتمال عدم ثبات سیاسی در یک کشور بیشتر باشد نشان‌دهنده حکمرانی ضعیف است و هر چه کشوری از ثبات سیاسی بیشتری برخوردار باشد در زمینه حکمرانی خوب امتیاز بالاتری کسب می‌کند. حضرت علی(ع) -چه در دوران برکناری از قدرت در زمان خلفای سه‌گانه چه در دوران حکومت پنج‌ساله خویش- هرگز دست به خشونت نزد و همواره می‌کوشید اختلافات را از طریق گفت‌وگو و روش‌های مسالمت‌آمیز حل کند. روش حکومت امام علی(ع) مهربانی و مهرورزی عاطفی و معنوی با مردم، توجه به نیازها و مشکلات آنان، و تلاش برای خدمت به خلق خدا بود؛ چنان که در نامه خود به مالک اشتر چنین نوشت: «دلت را برای رعیت پُر از لطف و مهر و محبت کن و بر آن‌ها درنده آزاردهنده‌ای مباش که خوردن آنان را غنیمت شماری (محمد بن حسین شریف الرضی، ۱۳۹۱: ۱۲۳)»^۳. **اثربخشی دولت:** در این شاخص کیفیت خدمات

عمومی، خدمات شهروندی، و میزان استقلال آن‌ها از فشارهای سیاسی مدنظر است. همچنین، کیفیت تدوین و اجرای ختمشی‌های عمومی و دولتی و میزان تعهدی که دولت نسبت به این سیاست‌ها دارد در این شاخص ارزیابی می‌شود. هر چه کیفیت خدمات عمومی و شهروندی بهتر باشد و ختمشی‌های عمومی به دور از جنجال‌های سیاسی وضع و اجرا شود و تعهد نظام سیاسی در قبال آن‌ها بیشتر باشد، نشان‌دهنده وضعیت بهتر حکمرانی است. افزون بر آن، کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی و استقلال آن‌ها از فشارهای سیاسی و صلاحیت و شایستگی کارگزاران را بیان می‌کند (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۷: ۵۸)؛ **۴. کیفیت قوانین:** منظور از این شاخص توانمندی دولت در تدوین و اجرای سیاست‌ها و مقررات و نظام‌هایی است که موجب گسترش نفوذ و دامنه فعالیت‌های بخش خصوصی می‌شود. هر چه دولت بتواند با تدوین و اجرای سیاست‌ها و نظام‌های مختلف امکان توسعه فعالیت‌های بخش خصوصی و تأثیرگذاری بیشتر آن بر اداره جامعه را فراهم نماید، شاهد سطح بالاتری از حکمرانی خواهیم بود. عادلانه و فراگیر بودن قوانین نمایانگر کیفیت تنظیم‌کنندگی است که از اصول اساسی حکمرانی خوب محسوب می‌شود. امام علی(ع) عدالت را برترین اصلاح می‌داند، زیرا ضعف‌ها، بی‌نظمی‌ها، ناکارآمدی‌ها، و ... همه ناشی از خروج امور از موضع خود است و سیاست عادلانه سیاستی است که هر کاری را بر موضع خود بنشاند: «عدل و عدالت هر چیزی را در جای خود می‌نهد» (محمد بن حسین شریف الرضی، ۱۳۹۱: ۵۲۷). بنابراین، ماهیت و روح اصلاحات پافشاری بر عدالت و تحقق آن است؛ **۵. کنترل فساد:** بر اساس تعریف کافمن و کرای، فساد عبارت است از «استفاده از قدرت و امکانات عمومی در جهت منافع شخصی». آنچه در این شاخص مدنظر قرار می‌گیرد این است که قدرت عمومی و دولتی تا چه حد مورد سوءاستفاده و در خدمت تحقق منافع شخصی و خصوصی قرار می‌گیرد (پورآقایی، ۱۳۸۳: ۶۲). این شاخص هم فسادهای جزئی و کوچک هم فسادهای بزرگ و کلان را شامل می‌شود. بر اساس این شاخص، هر چه نظام سیاسی و دولت در تسخیر اغیا و منافع خصوصی باشد نشان‌دهنده حکمرانی ضعیف و عکس آن بیانگر رتبه بالاتری از حکمرانی است. اما در خصوص مبارزه با فساد، امام علی(ع) در میان حاکمان تاریخ بی‌نظیر است. امام علی(ع) در خصوص نقش حاکمان در جلوگیری از فساد فرموده‌اند: «همانا زمامدار امین خدا در زمین، برپادارنده عدالت در جامعه، و عامل جلوگیری از فساد و گناه در میان مردم است» (لنکرانی، ۱۳۷۳: ۵۴).

نتیجه‌گیری

با بررسی مفهوم مدیریت شهری در سه مکتب (لیبرالیسم، سوسیالیسم، و اسلام) می‌توان بیان کرد که به‌طور کلی از دیدگاه لیبرالیسم توجه به شاخص‌های مشارکت شهروندان، اصالت آزادی، سیاست‌گذاری، رفاه اجتماعی، ایجاد طبقات اجتماعی، قانون‌گرایی، اعیان‌سازی به‌عنوان شاخص‌های مهم مدیریت مطلوب شهری شناخته شده‌اند که باید همه این شاخص‌ها در روند مدیریت شهری مورد توجه باشد تا بتوان زمینه‌های فکری این مکتب را در نظام مدیریت شهری اجرا کرد. دیدگاه سوسیالیسم بیان می‌کند که برای مدیریت شهری مطلوب باید به توزیع مناسب امکانات، ساخت مسکن باکیفیت، برنامه‌ریزی شهری، اقتدارگرایی، جامعه‌محوری، و سرمایه‌گذاری توجه داشت تا بتوان یک الگوی مناسب مدیریت شهری اجرا کرد و شهروندان نیز از مواهب آن بهره‌مند شوند. در نهایت، با توجه به بررسی‌های انجام‌شده در آموزه‌های اسلامی برگرفته از قرآن و نهج‌البلاغه، مشخص شد که در دیدگاه اسلام چشم‌اندازهای مشخص و روشن بر پایه اصول و ارزش‌ها، ایجاد ظرفیت نهادی، سطح اختیارات و تصمیم‌گیری، یکپارچگی نهادها، و یکپارچگی سیاستی عواملی هستند که در فرهنگ‌سازی اصول و ارزش‌های شهرسازی ایرانی-اسلامی می‌توانند تأثیرگذار باشند. آرا و عملکرد امام علی(ع) با مؤلفه‌های مطرح‌شده تحت عنوان حکمرانی مطلوب از سوی بانک جهانی نه تنها منافاتی ندارد، بلکه حکمرانی خوب از دیدگاه امام مؤلفه‌هایی را دربر می‌گیرد که از سوی نظریه‌پردازان غربی مورد غفلت واقع شده

است؛ مؤلفه‌هایی نظیر فرهنگ و اصلاحات فرهنگی، تأمین نیازهای اساسی مردم و فقرزدایی، شایستگی کارگزاران، و ضرورت مشورت در حکمرانی. نکته حائز اهمیت در خصوص مؤلفه‌های حکمرانی از دیدگاه امام علی(ع) و بانک جهانی این است که همه مؤلفه‌های حکمرانی خوب از سوی امام علی(ع) به صورتی عملی اجرا شده است و فقط یک نظریه نیست. به‌طور کلی، می‌توان نهج‌البلاغه را دربرگیرنده همه اصول و مؤلفه‌هایی دانست که برای حکمرانی خوب لازم است، مواردی نظیر مردم‌گرایی، هشدار به ریختن خون ناحق، خودپسندی، منت‌گذاری، شتاب‌زدگی، امتیازخواهی، عفو و صلح مردم، شادی‌نکردن برای مجازات و شتاب‌نداشتن در خشم، قطع ریشه هر دشمنی، وادارنکردن اطرافیان به ستایش و تملق‌گویی، یکسان‌قراردادن نیکوکار و بدکار، خشکاندن ریشه هرگونه خودخواهی، چپاولگری، و بی‌انصافی خواص و خویشتن، اجتناب از خونریزی. با این اوصاف، مهم‌ترین ثمره حکومت کوتاه امام علی(ع) احیای سنت نبوی و نشان‌دادن چهره حقیقی اسلام به مردم آن زمان و آینده است و آن حکومت مقدس می‌تواند الگوی همه مدیریت‌های شهری اسلامی در طول تاریخ باشد. بنابراین، با توجه به مقایسه نتایج دیدگاه سه مکتب مدیریت مطلوب شهری، می‌توان بیان کرد که کلیه شاخص‌هایی که در مکاتب لیبرالیسم و سوسیالیسم برای مدیریت شهری مطلوب ارائه شده اسلام در زمان‌های دور بدان‌ها اشاره کرده است و حتی بسیار جزئی‌تر و کامل‌تر به شاخص‌های مطلوب در همه ابعاد توجه داشته است که حتی در قالب عدالت اجتماعی سعی داشته با توجه به جایگاه اجتماعی و درآمد افراد به توزیع امکانات و تسهیلات شهری بین شهروندان توجه داشته باشد. بنابراین، مدیریت شهری مطلوب از دیدگاه اسلام نسبت به دو دیدگاه قبلی از جامعیت بیشتری برخوردار است.

منابع

۱. ایمانی جاجرمی، حسین و همکاران، ۱۳۹۲، مدیریت شهری، ج ۲، انتشارات تپسا.
۲. ایمانی شاملو، جواد و صارمی، حمیدرضا، ۱۳۹۱، تبلور خطوط فکری نظام‌های حکومتی در عرصه برنامه‌ریزی شهری «با مطالعه تحلیلی در نظام‌های سوسیال و لیبرال»، فصل‌نامه مطالعات محیطی هفت‌حصار، ش ۱، صص ۵-۷۹.
۳. پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۶۳، نهج‌الفصاحه: مجموعه کلمات قصار حضرت رسول(ص)، تهران: جاویدان.
۴. پورآقایی، سپیده، ۱۳۸۳، شاخص‌های حکمرانی به روایت بانک جهانی، گزارش، ش ۱۵۴.
۵. پاپلی یزدی، محمدحسین، رجبی سناجردی، حسین (۱۳۸۹) نظریه‌های شهر و پیرامون، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سمت.
۶. پورمعصومی هوشمند، ابراهیم، ۱۳۸۶، شکل و ساختار شهر سوسیالیستی از دهه ۱۹۲۰ تا فروپاشی نظام‌های کمونیستی، فصل‌نامه راه و ساختمان، دوره ۱، ش ۴۵، صص ۱-۱۲.
۷. تخم‌کاری، محمد، ۱۳۹۳، توسعه پایدار و شهر اسلامی، ششمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر مولفه‌های شهر اسلامی
۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات.
۹. توسلی، مهدی و بلخاری قهی، حسن، ۱۳۹۲، واکاوی مؤلفه‌های هویت دینی در شهر اسلامی، مجموعه مقالات دومین همایش ملی شهر اسلامی، اصفهان.
۱۰. جعفری، محمدتقی، ۱۳۸۵، زیبایی و هنراز دیدگاه اسلام، مؤسسه تدوین آثار علامه جعفری، تهران.
۱۱. حاتمی‌نژاد، حسین؛ محمدپور، صابر و منوچهری، ایوب، ۱۳۸۸، اثرات برنامه‌ریزی متمرکز سوسیالیستی بر تحولات برنامه‌ریزی و الگوهای توسعه و عمران شهری در شوروی، فصل‌نامه علمی- پژوهشی جغرافیای انسانی، ش ۱، ۱-۱۴.
۱۲. حسینی، سیدهادی، ۱۳۹۳، مبانی اندیشه اسلامی در شکل‌گیری فضای کالبدی آرمان شهر، ششمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر مولفه‌های شهر اسلامی
۱۳. حسینی شیرازی، سیدمحمد، ۱۴۲۴ ق، تقریب القرآن‌الی‌الأذهان، بیروت: انتشارات دارالعلوم.

۱۴. خزاعی نژاد، فروغ، ۱۳۹۳، مقایسه اصول شهر ایرانی اسلامی با اصول شهرگرایی جدید، ششمین کنفرانس ملی برنامه ریزی و مدیریت شهری با تاکید بر مولفه های شهراسلامی
۱۵. سروش محلاتی، رضا، ۱۳۸۰، فضای جغرافیایی با نگاهی شهری، چ ۲، تهران: صدای معاصر.
۱۶. صفایی پور، مسعود و سجادیان، مهیار، ۱۳۹۵، جستاری بر برنامه ریزی فضایی و نظام شهرسازی مبتنی بر ایدئولوژی سوسیالیسم، فصل نامه جغرافیا و برنامه ریزی شهری چشم انداز زاگرس، ش ۳۱، ص ۲۲۳-۳۶۳.
۱۷. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۴، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین قم.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۷، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات فراهانی.
۱۹. ۱۳۹۵، قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، نشر پیام عدالت.
۲۰. عبدالجلیل، محمد، ۱۳۶۳، تاریخ ادبیات عرب، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران: امیرکبیر.
۲۱. فیروز آبادی، سید احمد و همکاران، (۱۳۹۶). حکمروایی نوین شهری، انتشارات تپسا، جلد دوم.
۲۲. فیروزی، محمدعلی و سجادیان، مهیار، ۱۳۹۷، تحلیلی به مدخلیت حکمرانی شهری شایسته اسلامی در تعمیق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، فصل نامه راهبرد، س ۲۷، ش ۸۷، صص ۸۷-۱۱۴.
۲۳. فیضی دکنی، ابوالفضل، ۱۴۱۷، سواطع الالهام فی تفسیر القرآن، قم: انتشارات دارالمنار.
۲۴. قلی پور، رحمت اله، ۱۳۸۳، نقش دولت و حکمرانی خوب در تحلیل و امکان سنجی در ایران، دانش مدیریت، ش ۶۷، صص ۸۵-۱۱۱.
۲۵. لنکرانی، محمدفاضل، ۱۳۷۳، آیین کشورداری از نگاه امام علی (ع)، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۶. محمد بن حسین شریف الرضی، ۱۳۹۱، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، مؤسسه فرهنگی تحقیقی امیرالمؤمنین.
۲۷. مرادی نیا، سجاد، ۱۳۸۹، آسیب شناسی توزیع قدرت سیاسی در کلان شهر تهران با تاکید بر حکمروایی شهری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران.
۲۸. مشکینی، ابوالفضل و مقدم، علی، ۱۳۹۳، بررسی مؤلفه ها و شاخص های شهر اسلامی با تاکید بر نقش و اهمیت
۲۹. فرهنگ سازی در تحقق الگوی شهرسازی اسلامی ایرانی، فصل نامه شهر پایدار، ش ۱، صص ۳۷-۶۸
۳۰. مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۲، قلمرو حکومت ولی ققیه در حکومت اسلامی، تهران: نشر سازه.
۳۱. معین، محمد، ۱۳۶۰، فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۳۳. منوریان، عباس، ۱۳۷۹، از دولت خوب تا حکومت داری خوب، فصل نامه مدیریت دولتی، ش ۴۸ و ۴۹.
۳۴. میرمیران، سیدمهدی و الیاسی، فاطمه، ۱۳۹۲، اصول شهرسازی اسلامی از نظرگاه قرآنی، مجموعه مقالات دومین همایش ملی شهر اسلامی، اصفهان.
۳۵. میدری، احمد و خیرخواهان، جعفر، ۱۳۸۳، حکمرانی خوب بنیان توسعه، تهران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
۳۶. موسوی نژاد، سیدعلیرضا، حسینی، سیدمحمدسادات، ۱۳۹۳، تحلیل نظریات مخالف مفهوم شهروند شهروندسازی اسلامی، ششمین کنفرانس ملی برنامه ریزی و مدیریت شهری با تاکید بر مولفه های شهراسلامی
۳۷. ناظمی اردکانی، محمد، ۱۳۸۷، حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی، فصل نامه علوم انسانی، ش ۷۶، صص ۱۰۷-۱۲۸.
۳۸. نقی زاده، محمد، ۱۳۹۰، تأملی در چیستی شهر اسلامی، مجله شهر ایرانی-اسلامی، تهران: پژوهشکده فرهنگ و هنر، ش ۱، صص ۴۳-۶۷.
۳۹. نیک نشان، شقایق و همکاران، ۱۳۹۱، ایدئولوژی مبنایی برای عملکرد آموزش و پرورش: مقایسه پیامدهای ایدئولوژی لیبرال دموکراسی و نتولیرالیسم بر تعلیم و تربیت در کشورهای غربی، پژوهش نامه مبانی تعلیم و تربیت، س ۲، ش ۱، صص ۵-۲۶.
۴۰. وارث، سیدحامد، ۱۳۸۰، نگرش فراپارادایمی به مدیریت دولتی، دانش مدیریت، س ۴، ش ۵۵.
۴۱. واعظی، احمد، ۱۳۸۷، حکمت متعالیه و تدوین فلسفه سیاسی اسلامی، علوم سیاسی، س ۱۱، ش ۴۳، صص ۹-۲۲.
۴۲. وصالی، سعید و امیدی، رضا، ۱۳۹۳، سیاست گذاری اجتماعی: زمینه ها و رویکردها، برنامه ریزی و بودجه، س ۱۹، ش ۱، صص ۱۷۹-۲۰۶.

43. Imani Jajarmi, Hossein et al., 2013, *Urban Management*, Tisa Publications, Vol. II.

44. Imani Shamloo, Javad and Saremi, Hamid Reza, 2012, The crystallization of the intellectual lines of government systems in the field of urban planning "with analytical study in social and liberal systems, *Haft Hesar Environmental Studies Quarterly*, No. 1, pp. 5-7.

45. Payende, Abolghasem, 1984, *Nahj al-Fasaha: Collection of short words of the Holy Prophet (PBUH)*, Tehran: Javidan Publications.
46. Pour Aghaei, Sepideh, 2004, Governance Indicators According to the World Bank, *Report*, No. 154.
47. Papli Yazdi, Mohammad Hossein, Rajabi Sanajerdi, Hossein (2010) Theories of the city and its surroundings, fourth edition, Tehran, *Samat Publications*.
48. Pour-Masoumi Hooshmand, Ebrahim, 2007, The Form and Structure of the Socialist City from the 1920s to the Decline of Communist Systems, *Quarterly Journal of Roads and Buildings*, 1(45).
49. Takhmakari, Mohammad, 2014, Sustainable Development of the Islamic City, Sixth *National Conference on Urban Planning and Management with Emphasis on the Components of the Islamic City*
50. Tamimi Amadi, Abdul Wahed Ibn Mohammad, 1987, *Compiled by Gharr al-Hakam and Dar al-Kalam*, Qom, Daftar Tablighat Publications.
51. Tavassoli, Mehdi and Balkhari Ghohi, Hassan, 2013, Analysis of the components of religious identity in the Islamic city, *Proceedings of the Second National Conference of the Islamic City*, Isfahan.
52. Jafari, Mohammad Taghi, 2006, *Beauty and Art from the Perspective of Islam*, Allameh Jafari Institute for Compilation of Works, Tehran.
53. Hataminejad, Hossein; Mohammadpour, Saber and Manouchehri, Ayoub, 2009, The Effects of Centralized Socialist Planning on Planning Developments and Models of Urban Development and Civilization in the Soviet Union, *Scientific Quarterly Journal of Human Geography*, No. 1, pp. 1-14.
54. Hosseini, Seyed Hadi, 2014, Fundamentals of Islamic Thought in the Formation of the Physical Space of Utopia, Sixth *National Conference on Urban Planning and Management with Emphasis on the Components of the Islamic City*
55. Hosseini Shirazi, Seyyed Mohammad, 1424, *Approximation of the Qur'an to the Mind*, Beirut, Dar Al-Uloom Publications.
56. Khazaeinejad, Forough, 2014, Comparison of the principles of the Islamic Iranian city with the principles of modern urbanism, Sixth *National Conference on Urban Planning and Management with emphasis on the components of the Islamic city*
57. Soroush Mahallati, Reza, 2001, *Geographical Space with an Urban View*, Second Edition, Tehran: Contemporary Voice Publications.
58. Safaeipour, Massoud and Sajjadian, Mahyar, 2016, A Survey on Spatial Planning and Urban Planning System Based on the Ideology of Socialism, *Journal of Geography and Urban Planning, Zagros Perspective*, No. 31. pp. 223-363.
59. Tabatabai, Mohammad Hossein, 1995, *Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran*, translated by Mohammad Baqir Mousavi Hamedani, Qom: Islamic Publications of Qom Teachers Association.
60. Tabarsi, Fazl Ibn Hassan, 1998, *Majma 'al-Bayan fi Tafsir al-Quran*, Tehran: Farahani Publications.
61. 2016, *Holy Quran*, Translated by Mohammad Mehdi Fooladvand, Justice Message.
62. Abdul Jalil, Mohammad, 1984, *History of Arabic Literature*, Translator: Azartash Azarnoush, Tehran: Amirkabir Publications.
63. Firoozabadi, Seyed Ahmad et al., (1396). The new rule of tuition, *Tisa Publications*, Volume II.
64. Firoozi, Mohammad Ali and Sajjadian, Mahyar, 2018, An Analysis of the Intervention of Competent Islamic Urban Governance in Deepening the Iranian Islamic Model of Progress, *Strategy Quarterly*, Year 27, No. 87, pp. 114-87.
65. Faizi Dekani, Abolfazl, 1417, *Sata'at al-Allah fi Tafsir al-Quran*, Qom: Dar al-Manar Publications.
66. Gholipour, Rahmatollah, 2004, The Role of Government and Good Governance in Analysis and Feasibility Study in Iran, *Management Knowledge*, No. 67, pp. 85-111.
67. Lankarani, Mohammad Fazel, 1994, *The Rite of Governance from the Perspective of Imam Ali (AS)*, Islamic Culture Publishing House.

68. Mohammad Ibn Hussein Sharif Al-Radi, 2012, *Nahj al-Balaghah*, Translated by Mohammad Dashti, Amir Al-Momenin Cultural Research Institute.
69. Moradi Nia, Sajjad, 2010, *Pathology of Political Power Distribution in Tehran Metropolis with Emphasis on Urban Governance*, Master's Thesis, Faculty of Geography, University of Tehran.
70. Meshkini, Abolfazl and Moghadam, Ali, 2014, A Study of the Components and Indicators of the Islamic City with Emphasis on the Role and Importance of Culture-Making in Realizing the Model of Iranian-Islamic Urbanism, *Sustainable City Quarterly*, No.1, pp. 37-68.
71. Mesbah, Mohammad Taghi, 2003, *The Realm of the Government of the Supreme Leader in the Islamic Government*, Tehran: Sazeh Publishing.
72. Moin, Mohammad, 1981, *Farhang Farsi*, Tehran: Amirkabir Publishing Institute.
73. Makarem Shirazi, Nasser, 1995, *Sample Interpretation*, Tehran: Islamic Library Publications.
74. Manourian, Abbas, 2000, From Good Government to Good Governance, *Quarterly Journal of Public Management*, No. 48 and 49.
75. Mirmiran, Seyed Mehdi and Eliassy, Fatemeh, 2013, Principles of Islamic Urban Planning from the Quranic Perspective, *Proceedings of the Second National Conference of the Islamic City*, Isfahan.
76. Midari, Ahmad and Khairkhanian, Jafar, 2004, *Good Governance of the Development Foundation*, Tehran: Research Center of the Islamic Consultative Assembly.
77. Mousavinejad, Seyed Alireza, Hosseini, Seyed Mohammad Sadat, 2014, Analysis of theories against the concept of Islamic urban planning, the 6th *National Conference on Urban Planning and Management* with emphasis on the components of the Islamic city
78. Nazemi Ardakani, Mohammad, 2008, Good Governance of Islamic Broadcasting, *Quarterly Journal of Humanities*, No. 76, pp. 107-128.
79. Naghizadeh, Mohammad, 2011, Reflections on the Islamic City, Iranian-Islamic City Magazine, Tehran, *Culture and Art Research Institute*, No. 1, pp. 43-67.
80. Nikanshan, Shaghayegh et al., 2012, Basic Ideology for the Performance of Education: Comparison of the Consequences of the Ideology of Liberal Democracy and Neoliberalism on Education in Western Countries, *Research Journal of Fundamentals of Education*, Second Year, No. 1, pp. 5-26.
81. Varesh, Seyed Hamed, 2001, Transparent Attitudes Towards Public Management, *Management Knowledge*, Vol. 4, No. 55.
82. Vaezi, Ahmad, 2008, Transcendent Wisdom and Development of Islamic Political Philosophy, *Political Science*, Year 11, No. 43, pp. 9-22.
83. Vesali, Saeed and Omid, Reza, 2014, Social Policy: Fields and Approaches, *Planning and Budgeting*, Year 19, No. 1, pp. 206-179.
84. Barry, Naughton, 2017, Is China Socialist, *Journal of Economic Perspectives*, 31(1), 3-24.
85. Berki, Aleni, 2014, Agricultural land for urban development: The process of landconversion in Central Viet Nam. *Habitat Int.*, 41, 309-344.
86. Buterin, Vitalik; Hitzig, Zoe and Weyi, Glen, 2018, Liberal Radicalism: *Formal Rules for a Society Neutral among Communities*, arXiv: 1809.06421.
87. Das, Raju, 2015, Critical Observations on Neo-liberalism and India's New Economic Policy. *Journal of Contemporary Asia*, 45(4), 715-726.
88. Drozd, Martine, 2014, *Spatial inequalities, "neoliberal" urban policy and the geography of injustice in London*, Université Lumière Lyon II.1-23.
89. Ghorbi, Mitra and Mohammadi, Hamid, 2017, A Critical View on New Urbanism Theory in Urban Planning: from Theory to Practice. *Space Ontology International Journal*, 6(3), 89-97.
90. Herschel, Blanca, 2002, *The Political Economy of Administrative Reform: Building State Capacity in Developing Countries*, [www.http://web.mit.edu/polisci/research](http://web.mit.edu/polisci/research).

91. Hurat, Ammurin, 2010, The Private Provision of Public Goods via Dominant Assurance Contracts, *Public Choice*, 96 (1-2), 34-65.
92. Imbroscio, David, 2011, Beyond Mobility: The Limits Of Liberal Urban Policy. *Journal Of Urban Affairs*, 34(1), 1-20.
93. Jerliu, Florina and Navakazi, Vlora, 2018, *The Socialist Modernization of Prishtina: Interrogating*.
94. Kadi, Justin, 2014, The Neo-Liberal Restructuring of Urban Housing Markets and the Housing Conditions of Low-Income Households: An International Comparison. *Faculty of Social and Behavioural Sciences*, 3(4), 1-9.
95. Kovach, Gabor, 2017, From the guilty city to the ideas of alternative urbanization and alternative modernity. *Philosophy, Communication*, 25(2019), 99-109.
96. Light, Duncan and Young, Craig, 2010, Reconfiguring Socialist Urban Landscapes: The 'Left-Over' Spaces Of State-Socialism In Bucharest, *Journal of Studies and Research in Human Geography*, 4(1), 5-16.
97. Luga, Liliana, 2017, *Reshaping the Historic City under Socialism: State Preservation, Urban Planning, and the Politics of Scarcity in Romania*. Nador u. 9, Monument Building.
98. Mehilli, Elidor, 2013, The Socialist Design: Urban Dilemmas in Postwar Europe and the Soviet Union. *Explorations in Russian and Eurasian History*, 13(3), 635-650.
99. Nguyen, Hoanglinh; Duan, Jin and Zhang, Guoqin, 2018, Land Politics under Market Socialism: The State, Land Policies, and Rural–Urban Land Conversion in China and Vietnam. *Land* 2018, 7, 51; doi:10.3390/land7020051.1-17.
100. Randy, Klippert, 2014, Neo-Liberalism, Police, and the Governance of Little Urban Things. *Foucault Studies*, 1(18), pp. 49-65.
101. Sandor, Hunor, 2018, Urban Socialism and Everyday Life in Sztálinváros. *Alltag und Ideologie im Realsozialismus*, 1(4), pp. 43-51.
102. Schragger, Richard, 2013, Is a Progressive City Possible? Reviving Urban Liberalism for the Twenty-First Century, [\\jciprod01\productn\H\HLP\7-2\HLP209.txt.8-59](#).
103. Scott, Radu, 2001, The administrative-political function of human settlement and the role it plays in organizing geographical space. Case study-Romania, *Human Geography, Journal of studies and research in geographis*.
104. Smith, Mark, 2015, *The Socialist City*, pp. 1-15.
105. Tulumello, Simone, 2014, Reconsidering neoliberal urban planning in times of crisis: urban regeneration policy in a “dense” space in Lisbon, *Urban Geography*, DOI:10.1080/02723638.2015.1056605.